

# بخش اول

حزب وطن: دیدگاه‌های متضاد و مبارزات درونی آن

## پیشگفتار

در شرایط دشوار کنونی، مبارزه بخاطر ایجاد نیروی منسجم، سازمانیافته و آگاه سرتاسری که به مثابه بدیل کنونی سیاسی و محرک تغییرات اقتصادی-اجتماعی عمل نماید، وظیفه مبرم هر افغان آگاه و وطن دوست محسوب میشود. زیرا صرف در نتیجه مبارزه پیگیر و آگاهانه چنین نیروی سیاسی، میتواند: مداخلات غرض آلود خارجی در افغانستان قطع گردد، گرایشات نفاق افکنانه سیاسی، اتنیکی، مذهبی و سمتی ناشی از آن مهار شود. وحدت ملی، تمامیت ارضی و استقلال سیاسی کشور تحکیم یابد، صلح عادلانه سراسری و وطنی تامین گردد، تلاش مردم بخاطر اعمار مجدد افغانستان و ایجاد جامعه مدنی سمت داده شود و افغانستان دوباره بحیث عضو مفید جامعه بین المللی، شناخته شود.

تجارب جهانی منجمله تجربه کشور ما مؤید آن است که نهضت ترقی خواهانه کشور را نباید یکبار دیگر در محدوده های عقیدتی و سیاسی احزاب و تنظیم های ایدیولوژی گرای مضمحل شده و موجود (چپ و راست) به زنجیر کشید. زیرا: "ایدیولوژی در قالب جامعه زندگی نمیکند، بلکه جامعه را مطابق به اقتضات خود قالب میکند. یا به عبارت دیگر: ایدیولوژی بخصوص ایدیولوژی افراطی چپ و راست آن بخشهای از جامعه را که در قالب اصول و دگمهای قبلاً قبول شده آن نمی گنجد، با خشونت و باتوصل به زور قصابی میکند. بنابراین طبیعی است که هر بخش از جامعه که سلاخی میشود، از آن خون میریزد، درد میکند و جامعه بحیث یک ارگان زنده در برابر آن عکس العمل نشان میدهد که در نتیجه آن همان جنگ داخلی و خونریزی است." (۱) همچنان مداخلات و حتی تجاوز نظامی خارجی راتحت بهانه دفاع از متحدین ایدیولوژیک میتواند در قبال داشته باشد.

بدین ملحوظ نهضت ترقی خواهانه کنونی کشور ما باید با اتکاب "جوانب

دموکراتیک نهادهای سنتی افغانستان و مکانیزم های دموکراتیک در کشور های پیشرفته با در نظر داشت عمیق نسبت و تناسب آنها با شرایط جامعه " (۲) افغانی و با شرکت تمام و طندوستان ترقیخواه افغان اعم از روشنفکران تحصیل یافته، تاجران و سرمایه داران، علمای دینی و روحانیون، مشران اقوام و سایر متنفذین محلی، اهل کسبه، کارگران و دهقانان، بشمول آنانی ایجاد گردد که از درون احزاب و تنظیمهای ایدیولوژی گرای دیروز، در مبارزه درونی علیه گرایشات ایدیولوژیک احزاب مذکور، تبارز نموده اند.

در برابر گرایش نیرومند کنونی فوق، هنوز هم حلقات در حال اضمحلال ایدیولوژی گرای (چپ و راست) دیروز، تلاش مینمایند تا با تأکید روی امتیاز رهبری دیروزی خویش و در زدوبند با اهرمهای متعدد قدرت در کشورهای مداخله-گر و با پخش اکاذیب و شیوه های عوامفریبانه سیاسی توأم با تلقینات ایدیولوژیک عده بی از افراد رادر محور خویش حفظ و افتراق در نهضت را ادامه دهند.

در نیروی ایدیولوژی گرای چپ دیروز که عمدتاً حزب دموکراتیک خلق افغانستان آن را تشکیل نموده و تمثیل مینمود، اکنون آن حلقات ایدیولوژی گرایی نقش نفاق افکنانه رادر نهضت ایفا مینمایند که در گذشته: مبارزه این حزب رادر مسیر افراط گرایی چپ باروشهای نظامیگرانه سوق نمودند، نقش عامل تجاوز اتحاد شوروی بر افغانستان را ایفا و با خروج نیروهای متجاوز مذکور از افغانستان مخالفت کردند، در برابر گرایش معقول سیاسی-فکری "مصالحه ملی" به مقاومت پرداختند، این سیاست را "ارتداد" خواندند و کودتاهای نظامی را علیه مدافعین این سیاست سازمان دادند و سرانجام به دستور بیگانه و در تبانی با نیروهای راست افراطی در دسایس ضد افغانی بغاوت شمال و در کودتای نظامی ۲۶ حمل ۱۳۷۱ (۱۵ اپریل ۱۹۹۲) به منظور ناکام ساختن پلان صلح پنج فقره بی ملل متحد، شرکت کرده و با سپردن قدرت به گروه های راست افراطی و همچنان کمک در امر تقویت نیروی قرون وسطایی "طالبان"، کشور را یکبار دیگر بسوی تباهی سوق نمودند.

گروه متذکره که "خانه جنگی" رادر نهضت ترقیخواهانه کشور آغاز و ادامه



دادند، با سازماندهی و اقدام به کودتاهاى نظامى به نفع نیروهاى راست افراطى (حزب اسلامى - گلبدين و جمعيت اسلامى)، اين نهضت را در اين مقطع تاريخى به شکست و در نتيجه به پراگندگى تشکيلاتى مواجه نمودند. آنها بخاطر آنکه مسؤوليت هاى سنگين تاريخى شان را انکار و يا حداقل اين مسؤوليت ها را اندک و انمود سازند، بخصوص بعد از شکست "ائتلاف شمال" به وسيله طالبان در سپتامبر ۱۹۹۶، تبليغات دروغين شفابى را به منظور وارونه جلوه دادن نقش شان در رویداد-هاى مذکور آغاز و سپس اين تبليغات را در برخى از نشرات بيرون مرزى افغانى ادامه داده و حتى به شکل کتب و رساله ها نشر کردند. درين ميان تحرير، طبع و توزيع کتاب "اردو و سياست در سه دهه اخير افغانستان" و همچنان "ظهور و زوال حزب دموکراتيک خلق افغانستان" نمونه هاى بارز چنين تلاش محسوب ميگردد.

کتاب "اردو و سياست" بمتابه کالبد مرده يک مولود غير طبيعى و عجيب - الخلقه چنان غوغاى مطبوعاتى برپا کرد که در نتيجه مرگ کامل معنوى مادر خویش را نيز بار آورد. زير ادا نشمندان، محققين، نويسندگان، شخصيت هاى سياسى افغانى و شاهدان عينى رویدادهاى کشور "مناظره ها" ي شايسته يى پيرامون آن براه انداختند و آنرا عمدتاً تداوم تلاش ناکام گروه سازمانده و نويسنده آن، براى "مسخ" حقايق تاريخى کشور خواندند.

نگارنده با درک مسؤوليت در قبال حقايق تاريخى کشور، بدون بکاربرد شيوه هاى بيان ستيزه جويانه، کتاب "سياست هاى مسکو و اثرات آن بر انکشاف اوضاع در افغانستان، ۱۹۸۶-۱۹۹۲" يا "دشنه هاى سرخ" را با اين تاکيد نوشتم که کتاب مذکور: "در صدد دفاع و يا مذمت شخصى و يا گروه از افراد نبوده بلکه توضيح حقايقى در باره چگونگى محتوى و پروسه تعميل خط فکرى - سياسى است که در يک مقطع معين زمانى (۱۳۶۵-۱۳۷۱) متکى بر اراده و تفکر جمعى در حزب دموکراتيک خلق افغانستان (بعداً حزب وطن) و بهره گيرى از خرد ملى، با انتقاد از گذشته طرح و تدوين گرديده و با اتکا بر منافع ملى کشور تحت عنوان "مصالحه ملى" اهداف اساسى چون: خروج نیروهاى متجاوز شوروى از افغانستان، تامين وفاق

ملی، استقرار صلح عادلانه سراسری و وطنی، اعمار مجدد افغانستان و ترویج حیات مدنی معاصر متکی بر اساسات دین مقدس اسلام، عنعنات پسندیده ملی، رعایت معیار های قبول شده جهانی حقوق بشر، پلورالیزم سیاسی و اقتصاد بازار آزاد، همچنان روابط نیک با کشورهای همسایه و جهان را با در نظر داشت منافع ملی کشور در برابر خویش قرار داده بود.

خط فکری - سیاسی فوق بمتابه یک اقدام بزرگ هم در داخل ح. د. خ. ا و هم بیرون از آن مدافعین و مخالفین نیرومند داشت. کتاب حاضر [ دشنه های سرخ ] حقایق را در مورد چگونگی عملکرد افراد و گروه های سیاسی و نظامی در دفاع و یا مخالفت با خط فکری - سیاسی مذکور، در همین مقطع زمانی بیان میدارد" (۳)

به ملحوظ فوق اعتقاد آن بود که خوانندگان محترم از جمله دانشمندان و محققین گرانقدر علاقمند به مسایل افغانستان، با مطالعه "دشنه های سرخ" و در نظر داشت نضج ارگانیک رویدادها در داخل افغانستان، در منطقه و در جهان پیرامون اوضاع افغانستان، خود نتیجه گیری هایی لازم بعمل می آورند. اکنون که از طبع و توزیع کتاب "دشنه های سرخ" اندکی بیشتر از دو سال میگذرد، با صراحت و صمیمیت اظهار میدارم که از نتایج آن راضی هستم. زیرا علاوه بر تجدید مکرر چاپ آن در پاکستان، هند و روسیه بوسیله افغانها، محتویات آن در آثار علمی متعدد محققین و تاریخ نگاران کشور منعکس و تائید گردید.

تائیرات مثبت کتاب "دشنه های سرخ" در امر توضیح حقایق، همچنان انعکاس و تائید محتویات آن در آثار نویسندگان کشور، باعث آن گردید که گروه نفاق افکن مورد بحث، سکوت طولانی توطئه آمیز خویش را با سرهمبندی نمودن "طامات" و "خرافات" چند، شکسته و "جنگ خامه گی" را، با استخدام ستر جنرال محمد نبی عظیمی بمتابه سخنگوی کنونی شان، آغاز نمایند. آنها یکبار با نشر رساله "طامات تابه چند و خرافات تابه کی"، بار دوم با نشر مضمون "شماطه تاریخ بیدار است" با نام مستعار ن. شیوه کی وال، و بار سوم با نوشتن نقدی تحت عنوان "روزگار غریبی است، نازنین!" آغاز گرایین "جنگ خامه گی" گردیدند.



بنابراین نگارنده تاگزیر شدم باز هم بمتابه اقدام تدافعی، ضمن جواب به "طامات" مذکور، حقایق تاریخی مقطع زمانی مورد بحث در "دشنة های سرخ" را توأم با دیدگاه های عاملین سیاسی آن زمان در داخل حزب و وطن (سابق ح.د.خ.ا)، بیشتر از پیش توضیح نموده و مورد بحث قرار دهم.

بدین ملحوظ هدف اساسی این مجموعه توضیح دیدگاه های سیاسی فرکسیونها در داخل حزب و وطن و یا هم "ح.د.خ.ا"، اقدامات آنان در قبال اتخاذ سیاست های مذکور و نتیجه گیری های از آن است. اگر در خلال توضیحات از افراد و یا هم فرکسیونهای مذکور نام برده میشود صرفاً به منظور معرفی چهره ها و فرکسیونهای ممثل و عاملین آن سیاست ها بوده و یا هم بر ملا نمودن مستند آنهاست که اکنون اکثرآ از طرح ها، پندارها و کردارهای شان انکار نموده و یا آن را خلاف واقعیت توجیه و تفسیر مینمایند. نگارنده به هیچوجه قصد دفاع و یا مذمت افراد را مبتنی بر علایق سیاسی و عقیدتی آنان ندارم. زیرا داشتن عقاید سیاسی و عمل نمودن بر اساس آن، همچنان دفاع از پندارها و کردارهای خویش را حق مسلم هر فرد میدانم، ولی انکار از عقاید سیاسی گذشته و از اعمالی را که فرد بر مبنای آن انجام داده است، به منظور گریز از مسوولیت های تاریخی، ضعف اخلاقی یی میپندارم که باید بر ملا گردد.

برای دستیابی به این هدف درین مجموعه تلاش به عمل خواهد آمد که طی مباحثه با سخنگویان فرکسیون های مذکور، مستند بر نوشته ها و گفته های آنان، حقایق در مورد پندارها و کردارهای شان هرچه بیشتر توأم با حفظ احترام به شخصیت آنان، توضیح گردد.

بر خورد با حقایق تاریخی بهیچوجه نباید بمنظور خسپیدن روی خاطره های تلخ و شیرین گذشته تاریخی صورت گیرد، بلکه کاوش حقایق تاریخی و دستیابی به اندیشه ها و اعمال مفید و مضر در پروسه گذشته عمل اجتماعی، ریشه یابی علل، انگیزه ها و اثرات مفید و مضر آن بر جامعه و استنتاج از آن باید بمتابه در سهای باشد که راه را بسوی آینده مطلوب باز نموده و عمل اجتماعی منجمله فعالیت سیاسی را

غنا بخشد، کمک نماید و هر چه بیشتر مؤثر سازد.

نگارنده با در نظر داشت اهداف و نقاط نظر فوق و احساس مسئولیت در قبال حال و آینده کشور، آرزو دارم طیف وسیع روشنفکران علاقمند به جامعه مدنی علی الرغم داشتن نقاط نظر متفاوت و حتی مخالف در برخورد با رویدادهای گذشته تاریخی، مسئولیت جمعی شان را برای دریافت راه های حل سولات و انجام مشترک وظایف مبرمی که امروز در برابر آنها قرار گرفته و یا خواهد گرفت فراموش ننموده و درین زمینه دیالوگ سیاسی را با فرهنگ مدنی، مطلوب و معمول سیاسی آغاز و ادامه دهند. فقط درین صورت است که مادرک عینی و علمی از گذشته را در خدمت حال و ممد رفتن مسوولانه بسوی آینده قرار خواهیم داد.

ومن الله التوفیق

فقیر محمد ودان

فریدریش دورف - جمهوری اتحادی آلمان

۲۷ سپتامبر ۲۰۰۰